

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای کاربردی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته پژوهش هنر

بررسی بازنمایی انسان در پیکرسازی معاصر

استاد راهنما

جناب آقای دکتر غلامعلی حاتم

استاد مشاور

جناب آقای دکتر سیروس یگانه

نگارش و تحقیق

مینا طلایی

شهریورماه ۱۳۸۹

تقدیم به امینہ کاظم زاده

پیشگفتار

با وجود فعالیت مجسمه سازی ایران در طی دو دهه اخیر و علی رغم افزایش کمی و کیفی پژوهش های حوزه هنر، در زمینه مجسمه سازی کتاب و مجموعه ثبت شده ای از آثار خلق شده و به نمایش درآمده توسط هنرمندان (جز کتاب های دوسالانه مجسمه سازی تهران شامل گزیده هایی از آثار) در دست نیست. بر این اساس در حیطه پیکرنگاری معاصر به سبب گستردگی، پیچیدگی و موانع آن به طور مشخص فعالیت پژوهشی صورت نگرفته است. در پایگاه های اطلاعاتی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، دو طرح پژوهشی در زمینه مجسمه سازی ایران و مجسمه سازی پست مدرن به ثبت رسیده اند؛ لیکن با مراجعه به این مرکز و موزه هنرهای معاصر اطلاعاتی از آن ها یافت نگردید. در میان پژوهش های صورت گرفته در قالب پایان نامه ها و طرح های پژوهشی نیز، خلاء مطالعه ای روشمند درباره هنر متاخر غرب کاملاً محسوس می باشد. در میان پایان نامه های موجود در کتابخانه های دانشگاه های آزاد اسلامی، هنر، تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی، چهار پژوهش در ارتباط با مجسمه سازی مدرن انجام گرفته اند؛ ولی به سبب عدم استفاده از منابع شاخص لاتین و بسندگی به شرح ظاهری این جریانات، به هیچ روی برطرف کننده نیاز مجسمه سازی معاصر ایران به شناختی دقیق تر و کامل تر از متن تحولات هنر معاصر نیستند. بدین ترتیب به منظور مطالعه شرایط و علل شکل گیری جریانات هنری، و به سبب نزدیک تر شدن روزافزون دو حوزه هنر و فرهنگ، این پژوهش از طریق بررسی مجسمه سازی فیگوراتیو، به مطالعه ارتباط میان فرهنگ و هنر در دو جامعه ایران و ایالات متحد پس از ۱۹۸۰ میلادی می پردازد.

پژوهش حاضر مرهون راهنمایی های گرانقدر استاد گرامی؛ جناب آقای دکتر غلامعلی حاتم و استاد ارجمند جناب آقای دکتر سیروس یگانه می باشد. از اساتید محترم جناب آقای مهدی حسینی و جناب آقای علیرضا صحاف زاده به جهت راهنمایی در مسیر تحقیق نهایت تشکر و سپاس را دارم. لازم به ذکر است از مسئولین و کارمندان کتابخانه پردیس باغ ملی دانشگاه هنر به سبب در اختیار گذاردن برخی از کتب ضروری برای این پایان نامه، کمال تشکر به عمل می آید.

چکیده

در دوران معاصر تصور شکل گرفتن هنر به مانند هر تجربه انسانی دیگر، خارج از جامعه آن ممکن نیست. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی علل و شرایط شکل گیری جریان‌ات هنر معاصر، به مطالعه ارتباط هنر و فرهنگ (بعنوان حوزه هایی که مرزهای میان آن‌ها بطرز فزاینده کمرنگ می شوند) در دو جامعه ایران و ایالات متحد می پردازد. محدوده مورد نظر این پژوهش مجسمه سازی فیگوراتیو از آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی را شامل می گردد. آغاز این دهه مصادف با اوج پست مدرنیسم در ایالات متحد و وقوع انقلاب اسلامی و شکل گیری هنر متعهد در ایران است. به سبب ارزش‌ها و هنجارهای ضد غربی انقلاب، هنر مدرنیسم (به مثابه پدیده ای غربی) در ایران با عدم استقبال مواجه می شود؛ لیکن پس از وقفه ای قریب به یک دهه، استفاده از دستاوردهای هنر غرب، با تاخیری زمانی و خارج از متن فرهنگی آن‌ها افزایش می یابد. در وضعیتی که هنر غرب همگام و در ارتباط با سایر حوزه های فرهنگ آن شکل می گیرد؛ تغییر رویکرد هنر معاصر ایران نسبت به هنر غرب، خوانشی مجدد از آن را ایجاب می نماید که در نتیجه می تواند بطور کلی بازتابی از عدم قطعیت در موضع گیری نسبت به غرب و تعلیق وضعیت جامعه میان دو قطب سنت و مدرنیته عنوان گردد. کوشش جهت خلق آثار مجسمه سازی فیگوراتیو در راستای ارزش های ایرانی-اسلامی، به خوبی بیانگر این تضاد و تعلیق است، زیرا امکان فعالیت این رسانه، خود ما حاصل ارتباط ایران با غرب و آغاز روند مدرنیزاسیون است و به هر روی از آنجا که هنر به مفهوم معاصر آن پدیده ای غربی است نمی تواند ابزار رسیدن به سنت ایرانی تلقی گردد.

واژه های کلیدی

پیکر انسان، مجسمه سازی فیگوراتیو، هنر معاصر، ایران، ایالات متحد آمریکا

فصل اول: کلیات

۱-۱ مقدمه	۲
۲-۱ اهداف کلی و تفصیلی	۳
۳-۱ فرضیه و سوالات کلیدی تحقیق	۴
۴-۱ روش تحقیق	۴
۵-۱ پیشینه تحقیق	۴

فصل دوم: تاریخ و هنر در ایالات متحد

۱-۲ دهه ۱۹۸۰	۸
۲-۲ دهه ۱۹۹۰	۱۶

فصل سوم: مضامین بدن در هنر معاصر ایالات متحد

۱-۳ انسان پست مدرن	۲۴
۲-۳ رویکرد جدید به بدن	۲۸
۱-۲-۳ بدن میدان نبرد است	۳۱
۲-۲-۳ بدن به مثابه نشانه	۳۳
۳-۲-۳ بدن اجراگر	۳۵
۳-۳ بدن زیبا	۳۷
۴-۳ واقعیت: بدن های میرا	۴۰
۵-۳ بدن پسا انسان	۵۴

فصل چهارم: تاریخ و تاریخ هنر معاصر ایران

۱-۴ مجسمه سازی در ایران پیش از انقلاب اسلامی	۶۸
۱-۱-۴ پیگیری مجسمه سازی (دلایل و روند)	۶۸
۲-۱-۴ تغییر شرایط اجتماعی و گسترش هنر	۶۹
۱-۲-۱-۴ ظهور مجسمه در فضای خارجی	۷۱
۲-۲-۱-۴ سقاخانه	۷۱
۲-۴ مجسمه سازی پس از انقلاب اسلامی	۷۴
۱-۲-۴ تحریم مجسمه سازی	۷۴

- ۷۵ ۲-۲-۴ اقدامات انجام شده جهت از سر گیری مجسمه سازی
- ۷۶ ۳-۲-۴ مقتضیات اجتماعی و هنر
- ۷۷ ۴-۲-۴ "جنگ" به عنوان عاملی تاثیرگذار بر "هنر" مجسمه سازی
- ۷۷ ۵-۲-۴ آغاز دوباره فعالیت مجسمه سازی
- ۷۸ ۶-۲-۴ "توسعه" هنر
- ۸۱ ۷-۲-۴ فعالیت بینال ها
- ۸۶ ۸-۲-۴ مجسمه های شهری
- ۸۷ ۹-۲-۴ بازگشت به آرمان ها

فصل پنجم: مضامین بدن در هنر معاصر ایران

- ۹۰ ۱-۵ انسان ایرانی
- ۹۱ ۲-۵ انسان نامیرا
- ۹۶ ۳-۵ در جستجوی هویت ملی: مصرف سنت
- ۱۰۲ ۱-۳-۵ پیکرهای واقعگرا
- ۱۰۴ ۲-۳-۵ بدن گسسته
- ۱۰۸ ۳-۳-۵ نقد اکنون؛ ابهام آینده
- ۱۱۱ نتیجه گیری
- ۱۱۲ فهرست منابع

فهرست شکل ها

صفحه

- شکل (۱) تغییر یافته، ۱۹۹۳، پل مک کارتی ۲۴
- شکل (۲) پوست فاقد درون، جیمز کرک ۲۵
- شکل (۳) لاغرتر از تو، مرین کانر ۲۶
- شکل (۴) مدل برای مجسمه، جرج بازلیتز ۲۸
- شکل (۵) کودک چاق، رونا پاندیک ۳۴
- شکل (۶) ناو، جانین آنتونی ۳۶
- شکل (۷) اثر جانین آنتونی ۳۷
- شکل (۸) انسان، کیکي اسمیت ۴۲
- شکل (۹) دنده ها، کیکي اسمیت ۴۴
- شکل (۱۰) پا، رابرت گبر ۴۵
- شکل (۱۱) بچه از خاک، جیمز کرک ۴۷
- شکل (۱۲) زن در صندلی راحتی، جرج سگال ۴۸
- شکل (۱۳) پیرمرد در حال چرت زدن، دوئین هنسون ۴۸
- شکل (۱۴) ماریا و مادرش، جان آهیرن ۵۰
- شکل (۱۵) خود نگاره، چارلز ری ۵۱
- شکل (۱۶) بورلی ادمیر ۱۹۶۷، کیت ادمیر ۵۲
- شکل (۱۷) حلقه ده سر / درون و بیرون، بروس نومن ۵۳
- شکل (۱۸) بدون عنوان (با پا)، لوئیز بورژوا ۵۴
- شکل (۱۹) Infoglut، الن راث ۵۷

- شکل (۲۰) کایمیرا، آنتونی عزیز و سمی کوچر ۵۸
- شکل (۲۱) احساس استغراق، کن فاینگلد ۵۹
- شکل (۲۲) نادم، تیم هاوکینسون ۶۰
- شکل (۲۳) اکه هومو، برایان کراکت ۶۲
- شکل (۲۴) بز-۷۱۰۰#، کارلی فرناندز ۶۳
- شکل (۲۵) هارپی، کیکی اسمیت ۶۵
- شکل (۲۶) میمون با مو، رونا پاندیک ۶۶
- شکل (۲۷) مجسمه "ناصر الدین شاه قاجار، سوار بر اسب" ۶۸
- شکل (۲۸) فرهاد و معشوقه افقی، پرویز تناولی ۷۲
- شکل (۲۹) BELLY DANCER، ژازه تباتبایی ۷۳
- شکل (۳۰) جهان پهلوان تختی، حسین فحیمی ۷۵
- شکل (۳۱) بدون عنوان، فاطمه امدادیان ۸۳
- شکل (۳۲) اثر مهسا تهرانی، ۱۳۸۶ ۸۳
- شکل (۳۳) قوچ، ملک دادیار گروسیان ۸۴
- شکل (۳۴) بدون عنوان، بهروز دارش ۸۴
- شکل (۳۵) رویش بدون رنگ، کامبیز شریف ۸۵
- شکل (۳۶) اثر بهروز دارش ۸۵
- شکل (۳۷) بخت مضاعف، حمیدرضا جدید و مونا رستم زاده نمین ۸۶
- شکل (۳۸) عروج شهید، ۱۳۷۴، اثر قدرت الله معماریان اصفهانی ۹۲
- شکل (۳۹) مجسمه اثر ملک دادیار گروسیان ۹۳

- شکل (۴۰) تندیس پایداری، ۱۳۸۷، صفا حسینی..... ۹۴
- شکل (۴۱) بدون عنوان، طاهر شیخ الحکمایی ۹۴
- شکل (۴۲) نیایش شامگاهی، بهروز دارش..... ۹۵
- شکل (۴۳) مادر، شعله هژبر ابراهیمی..... ۹۵
- شکل (۴۴) بدون عنوان، حمید رضایی ۹۵
- شکل (۴۵) آرش کمانگیر، ۱۳۷۴، قدرت الله معماریان اصفهانی..... ۹۷
- شکل (۴۶) ساقی، حمید رضا حکیمی..... ۹۸
- شکل (۴۷) گفتگو در خیال، ژیلا مبصر..... ۹۸
- شکل (۴۸) صندلی قدرت، جعفر نجیبی..... ۹۸
- شکل (۴۹) بدون عنوان، منصور طیب زاده..... ۹۹
- شکل (۵۰) زن و اسب، رضا لواسانی..... ۹۹
- شکل (۵۱) اثر حمید رضا آویشی..... ۹۹
- شکل (۵۲) گذر سیاوش از آتش، ۱۳۸۸، محمد سالاریان..... ۹۹
- شکل (۵۳) خسی در میقات، قدرت الله عاقلی..... ۱۰۰
- شکل (۵۴) بدون عنوان، نادر قشقایی..... ۱۰۰
- شکل (۵۵) اثر بیژن نعمتی شریف، ۱۳۸۶..... ۱۰۰
- شکل (۵۶) اثر طاهر شیخ الحکمایی، ۱۳۸۶..... ۱۰۱
- شکل (۵۷) شیطان بر فراز.....، سعید شهلاپور..... ۱۰۱
- شکل (۵۸) انسان نشسته، رامین سعادت قرین..... ۱۰۲
- شکل (۵۹) باغ ایرانی، ۱۳۸۳، گروه سی مثبت ۱۰۳

- شکل (۶۰) اثر محمد رضا خلجی، ۱۳۸۶..... ۱۰۳
- شکل (۶۱) کتراست انتزاعی، ۱۳۸۴، رامین اعتمادی بزرگ ۱۰۳
- شکل (۶۲) تقدیر و سرنوشت، ۱۳۸۴، شعله هژبر ابراهیمی ۱۰۵
- شکل (۶۳) اثر عباس اکبری، ۱۳۸۶..... ۱۰۵
- شکل (۶۴) صلح برای همسایه، بهداد لاهوتی..... ۱۰۶
- شکل (۶۵) بدون عنوان، ۱۳۸۴، ژینوس تقی زاده ۱۰۶
- شکل (۶۶) حاضری، بهداد لاهوتی..... ۱۰۷
- شکل (۶۷) از مجموعه ابوغریب، رضا قره باغی..... ۱۰۷
- شکل (۶۸) آئین ما چنین است، امینه کاظم زاده..... ۱۰۸
- شکل (۶۹) . دهکده کوچک، منصور آذری..... ۱۰۹
- شکل (۷۰) بدون عنوان، مهسا کریمی زاده..... ۱۰۹
- شکل (۷۱) فروشگاه، حامد رشتیان..... ۱۱۰
- شکل (۷۲) کاوه در ترافیک، ایرج محمدی..... ۱۱۰

فصل اول

کلیات

در دوران معاصر بیش از هر مقطع زمانی دیگری مرزهای هنر و فرهنگ و زندگی در یکدیگر ادغام می شوند، هنرمندان به نحوی روزافزون تجارب غیر هنر را به حوزه هنر آورده و آن را به فرهنگ بصری معرفی می نمایند. بدین ترتیب هنر یکی از صورت های فعالیت اجتماعی تلقی می گردد که در میان سایر اشکال، خصوصیات ویژه خود را داراست. اکنون تصور هنر و یا بطور کلی هر تجربه انسانی، خارج از جامعه آن ممکن نیست، از این رو بررسی روند تحولات این حوزه، می تواند ما را به شناخت فرهنگ خود و دیگر جوامع رهنمون گردد. بدیهی است که همواره مقتضیات و شرایط گوناگون حاکم بر جوامع، در ادوار گوناگون، موجب تمایز آثار و صنایع فرهنگ ها از یکدیگر گشته اند؛ لیکن موقعیت الگو قرار گرفته شدن کشورهای صنعتی از جانب جوامع در حال توسعه ممکن است این توازن را بر هم زده و به تکرار صرف آثاری برخاسته از مقتضیات متفاوت در اینگونه جوامع بیانجامد. مجسمه سازی فیگوراتیو در ایران نیز - که فعالیت آن برآیند برقراری ارتباط با غرب است - در عصر حاضر به کمک نظام های ارتباطی پیچیده که تمدن ها و فرهنگ های گوناگون را ناگزیر از تاثیرپذیری از یکدیگر می سازند - بیش از هر زمان دیگر در مواجهه با فرآورده های غربی (از جمله آمریکایی) قرار دارد.

حداقل نه دهم از تندیس های ساخت بشر، در بررسی تاریخ طولانی هنر، به بازنمایی فرم انسان اختصاص یافته اند و دغدغه اصلی مجسمه سازی برای بیشتر تاریخ طولانی اش بازنمایی واقعگرایانه بدن انسان بوده است. در دهه ۱۹۶۰ به دنبال تنش های گسترده ناشی از فضای جنگ و بحران، برای نخستین در طی تاریخ طولانی خود، بدن اولویتش را بعنوان موضوع اصلی مجسمه سازی از دست داد و رسانه مجسمه سازی پیکرنگارانه به طور مشخص، از دهه ۸۰، با احراز ویژگی های پست مدرنیسم، به مانند دیگر رسانه های عصر خود امکان فعالیت دوباره یافت. در این مقطع، شمار فرایندهای از هنرمندان به ایده های پست مدرنیسم و مسائلی نظیر انتقاد از روایت های کلان^۱، بازنمایی در عوض خلق تصاویر هنری اصیل گرایش یافتند. نوشته های فیلسوفان فرانسوی مانند ژان بودریار و ژان-فرانسوا لیوتار بطور گسترده ترجمه و مطالعه شده و ایده های ایشان توسط هنرمندان و منتقدان، در آثار و نوشته هایشان به کار گرفته شد. در دهه ۹۰ تا نیمه دهه اول قرن بیست و یک، نیز نقد موزه، مولتی کالچرالیزم، طبیعت، و سیاست های هویت در ارتباط با مسایل قومی، نژاد و جنسیت، جنبه هنجار گونه اتخاذ کردند و بسیاری از هنرمندان مانند کیکو/سمیت به خلق آثار فیگوراتیو سه بعدی در ارتباط با جنسیت و نژاد بشر - مسائل محوری پست مدرنیسم - پرداختند. در ایران، برخورد و

^۱ Grand Narratives

آشنایی با وضعیت پست مدرن در هنگامه آغاز جریانات آن، به سبب وجود ارتباطات بی واسطه با غرب، پیش از انقلاب به وقوع می پیوندد. با وقوع انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) مقارن با اوج پست مدرنیسم در غرب) به واسطه ارزش های ضد غربی (و ضد رژیم گذشته)، هنر مدرن و رسانه مجسمه سازی همزمان با تحریم مواجه می شوند؛ لیکن با گذشت یک دهه پس از آن، روند این هنر از نقطه توقف آن آغاز می گردد و تاکنون گرایش ها و رویکردهای گوناگونی را اتخاذ می کند که لزوم خوانشی دوباره از هنر در متن فرهنگ و وقایع اجتماعی این دوران را اجتناب ناپذیر می نمایند.

سازمان بندی این متن بر محور یک رسانه (مجسمه سازی) می تواند بحث را به میزان زیادی به سوی مواد، تکنیک ها، و دغدغه های فرمی سوق دهد با این وجود، نظر به اینکه در بسیاری از کارگاهها و مراکز آموزشی برنامه های هنری همچنان بر این مبنا ارائه می گردند و همچنین به جهت محدود کردن گستره این پژوهش به بررسی مجسمه سازی فیگوراتیو اکتفا می شود.

۲-۱: اهداف کلی و تفصیلی

۱. هدف کلی از انجام این پژوهش با موضوع عنوان شده، بررسی جریان هنر مجسمه سازی فیگوراتیو و اسباب و شرایط شکل گیری آن در متن جوامع معاصر ایران و ایالات متحده آمریکاست. دوران معاصر در این تحقیق، بازه زمانی سالهای دهه ۱۹۸۰ میلادی تا اواخر دهه اول قرن بیست و یکم را دربرمی گیرد. آغاز دهه ۱۹۸۰ مصادف با تثبیت پست مدرنیسم (اوج پست مدرنیسم) در غرب، و وقوع انقلاب اسلامی در ایران است. رواج رویکردهای غربی معاصر در هنر کنونی ایران، به سبب ارزش های غرب ستیزانه انقلاب، مسائل چرایی و چگونگی تغییر در یک بازه زمانی اندک را طرح کرده و حاکی از لزوم بازخوانش جریان این هنر در تعامل با سایر اجزای فرهنگ هستند.
۲. به موازات بررسی جریان هنر در ایالات متحد، به روند هنر در ایران؛ معاصر بودن و معاصر ستیزی اشاره می شود.
۳. به تغییراتی که در نتیجه گسترش و تثبیت و نقد پست مدرنیسم در هنر به وقوع می پیوندد و تعامل هنر با مسائل جوامع معاصر از جمله رشد صنعت و تکنولوژی، فلسفه و پزشکی در این پژوهش پرداخته شده است.
۴. وجه مشترک شماری از شیوه ها که در دوران معاصر ذیل عنوان مجسمه سازی قرار می گیرند، مشخصه سه بعدی بودن آن هاست. از این دوران تنوعی فزاینده در قالب

رفتارهای بسیار متفاوت با مواد گوناگون مشاهده می گردد. بدین ترتیب رسانه ایی مانند اینستالیشن^۲ نیز به سبب مرزهای مشترکی که با مجسمه سازی دارد در آن حوزه می گنجد.

۳-۱: فرضیه و سوالات کلیدی تحقیق

سوال اصلی این پژوهش در رابطه با چگونگی ارتباط نحوه بازنمایی انسان در پیکرسازی معاصر، با شرایط انسان در دوران معاصر است.

- ۱- کدام عوامل بر جریان هنر معاصر بعنوان بخشی از فرهنگ آن، تاثیرگذارند؟
- ۲- هنر چه نسبتی با ارزش ها و هنجارهای جامعه خود بر قرار می کند؟
- ۳- به رغم تفاوت های آشکار فرهنگی، علت رواج صورت های هنر معاصر غربی در جامعه ایران چیست؟
- ۴- مسائل فرهنگی و اجتماعی، و تحولات در عرصه های مختلف دانش، تکنولوژی، پزشکی چگونه در هنر بازتاب می یابند؟
- ۵- چگونه ارزش های فرهنگی در بازنمایی شکل انسان منعکس می شوند؟

۴-۱: روش تحقیق

این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه ای و گردآوری اطلاعات به شیوه میدانی، به شیوه کیفی انجام شده است.

۵-۱: پیشینه تحقیق

با استناد به منابع کتابخانه های دانشگاههای تهران، هنر، تربیت مدرس، شهید بهشتی؛ کتابخانه ملی؛ و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، و جستجو با کلیدواژه های "انسان"، "پیکر"، "فیگور"، "بدن"، "مجسمه" و "تندیس"، تا این تاریخ پژوهشی با این عنوان مشاهده نگردید. عنوان برخی از پژوهش هایی که در رابطه با موضوعات مجسمه سازی معاصر در ایران و غرب، به موضوع تحقیق نگارنده نزدیکتر به نظر می رسند در ادامه می آید. ذیل عناوین زیر، تنها به شرح و توصیف

^۲ Installation: چیدمان

برخی از تحولات عرصه هنر پرداخته شده و بررسی علل و شرایط و ارتباط هر یک با مقتضیات فرهنگی در نظر گرفته نشده است.

۱ - بریرانی، ستاره. "فرم و فضا در هنر مجسمه سازی معاصر". کارشناسی ارشد. پژوهش هنر. دانشگاه هنر. ۱۳۸۲.

۲ - بهرامی، محمد. "مجسمه های شهری و میادین تهران". کارشناسی ارشد. پژوهش هنر. دانشگاه هنر. ۱۳۸۳.

۳ - پور اصغریان، مهتاب. "بازتاب مجسمه سازی مدرن در ایران معاصر". کارشناسی ارشد. پژوهش هنر. ۱۳۸۸. دانشگاه آزاد اسلامی.

۴ - سومنی، ماهان. "بررسی مجسمه سازی نیمه دوم قرن بیستم اروپا و تاثیر آن بر مجسمه سازان معاصر ایران". کارشناسی ارشد. پژوهش هنر. دانشگاه هنر.

رویکرد این پژوهش در بررسی رابطه مجسمه سازی با فرهنگ معاصر، بر مبنای کتاب "فرا تراز مجسمه سازی مدرن: تاثیرات دانش و تکنولوژی بر مجسمه سازی این قرن نوشته جک برنهام اتخاذ شده است. در کتاب مذکور، بدون ورود تخصصی به عرصه جامعه شناسی، تغییرات مجسمه سازی از مراحل آغازین دوران پست مدرن و رابطه آن با برخی دیگر از پدیده های فرهنگی مانند تکنولوژی بررسی شده است.

کتاب مضامین هنر معاصر: از ۱۹۱۰، که به بررسی جریان هنر و فرهنگ ایالات متحد از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸ می پردازد، از دیگر الگوی های اصلی رویکرد این پژوهش است.

تعریف فرهنگ در مکالمات روزمره، فرآورده های متعالی ذهن مانند ادبیات، هنر و موسیقی را دربرمی گیرد؛ لیکن در محدوده این پژوهش تعریف جامعه شناسانه بر اساس ارزش هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می کنند (به سخن دیگر شیوه زندگی آنان و آنچه بر این شیوه اثرگذار است) و کالاهای مادی که تولید می کنند اتخاذ گردیده است. (گیدنز. ۸۶: ۵۶)

انتخاب نمونه های آثار هنری در ایران از میان طیف مختلف هنرمندان فعال در عرصه مجسمه سازی با رویکردهای متفاوت؛ از میان چهره های اثرگذار به واسطه حضور در حوزه های تدریس و داوری تا هنرمندان نسل جدید با حداقل در حدود یک دهه تجربه فعالیت صورت گرفته است. تمامی آثار انتخاب شده در دوسالانه ها، جشنواره ها و یا نمایشگاه های عمومی به نمایش درآمده اند، بنابراین رویکردهای پیشرو و تجربی تر را شامل نمی شوند. لازم به ذکر است در میان آثار هنرمندان، شیوه بیان اصلی آن ها ملاک انتخاب قرار گرفته است.

انتخاب هنرمندان و آثار ذکر شده در این پژوهش، در ایالات متحد آمریکا با توجه به اولویت بندی محققان و نویسندگان آمریکایی، میزان تاثیرگذاری هنرمندان و مجسمه سازان و آثار قابل طرح در چارچوب های اخلاقی صورت گرفته است. بر این اساس از پرداختن به بازنمایی هویت های جنسی در هنر - علی رغم اهمیت فزاینده آن در هنر معاصر - اجتناب شده است. به این مبحث که گستردگی آن، قابلیت طرح شدن در قالب پژوهشی مستقل را بدان می بخشد، در موارد ضروری در متن پایان نامه اشاره شده است.

فصل دوم

تاریخ و هنر در ایالات متحد

پس از یک "عصر طلایی" که از دهه ۱۹۵۰ به طول می انجامد، در اوایل ۱۹۷۰ میلادی، دورانی از بی ثباتی در ایالات متحد آغاز می گردد. مورخان عموماً سال های ۴-۱۹۷۳ میلادی را نقطه چرخشی در اقتصاد آمریکا و اروپای پس از جنگ جهانی دوم در نظر می گیرند. (HOPKINS. ۱۹۷: ۲۰۰۰) قطع صدور نفت و لغو قرارداد کنترل قیمت ها توسط کشورهای تولید کننده به منظور تحت فشار گذاردن دول حامی اسرائیل در پی جنگ اعراب-اسرائیل در ۱۹۷۴، هزینه سالانه انرژی کشورهای غربی را به ده برابر میزان اولیه آن افزایش داده و رکود اقتصادی و تورم دو رقمی در آمریکا (اروپا و جهان سوم) را اولین بار در ۴-۱۹۷۳ و بار دیگر در ۸۳-۱۹۷۹ اجتناب ناپذیر نمود. بدنبال آن، سیل سودهای تولید کنندگان انرژی^۳ ثبات بازارهای جهانی پول و سرمایه را به خطر انداخت. صرف ثروت این کشورها در آمریکا و اروپا برای تجهیز و نوسازی ارتش ها، علاوه بر تشدید مسابقه تسلیحاتی در جهان، به واسطه پرداخت ها و حق دلالتی هنگفت عوامل، فساد فزاینده ای را در حیطه تجارت اسلحه گسترش داد که سایر بخش های اقتصاد را نیز فرا گرفت. بدین ترتیب، پیامدهای درآمد های نفتی جانبی هنگفت در دهه ۱۹۷۰، بصورت رسوایی های مالی دهه ۱۹۸۰ ظاهر شد و بنیاد اخلاقیات داد و ستد، و اعتقاد مردم به اقدامات قانونی را متزلزل نمود. (بکولا. ۱۳۸۷-۵۰۸ : ۹) به دلیل بحران های بین المللی در این دوران، احساسی از ضعف ملی در ایالات متحد شکل می گرفت که نهایتاً در سیاست های داخلی بازتاب می یافت. کمبود نفت و صفوف گاز، بیکاری، اقتصاد تضعیف شده آمریکا، ضعف سیاسی و نظامی آمریکا نظر به دخالت فاجعه بار در ویتنام؛ ناتوانی در حمایت از دولت ایران بعنوان نزدیکترین متحد خود در منطقه^۴؛ بحران گروگان گیری تهران؛ و بالا گرفتن جنگ سرد پس از تجاوز اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان نیز دیگر عوامل موثر در ایجاد چنین احساسی در این مقطع بودند. علاوه بر این، رسانه های همگانی آمریکایی که پیشرفتشان بی شک مهمترین تحول در دهه های ۷۰ و ۸۰ بود، اخباری ناامید کننده و یا هولناک را پخش می کردند که به واسطه کیفیت متراکم و همزمانی شان بروخامت اوضاع می افزودند. (JENKINS. ۲۰۰۶: ۱۵۲-۳)

همزمانی تمامی این مسائل به همراه رشد محافظه کاری در نهایت به پیروزی آسان ریگان در انتخابات انجامید. رونالد ریگان، برخلاف کارتر که بدبینانه از "نارضایتی" ملت و محدودیت های آمریکا سخن می گفت، امید و بازگشت به عظمت ملی را نوید داد و به نحوی نوستالژیک با توسل به

^۳ در ۱۹۸۰ به بیش از سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار می رسید. (بکولا. ۱۳۸۷: ۵۰۷)

^۴ غیر از اسرائیل که نه تنها از تحریم نفتی علیه ایالات متحد سرباز زده؛ بلکه بعنوان نیرویی تثبیت کننده در بازارهای جهانی نفت عمل کرده بود.

ارزشهای میهن پرستانه قدیمی، اتخاذ جایگاهی مستحکم را در مقابل "امپراطوری شیطانی"^۵ وعده داد. (ASHBY, ۲۰۰۶: ۴۴۳) وی که از حمایت ائتلاف حزب جمهوری خواه و دموکراتهای محافظه کار کنگره برخوردار بود به رشد صنعت از طریق اجرای اقتصاد تولید^۶ و همچنین به کوچک کردن دولت وعده داد. شرایط مالی متفاوت در این مقطع باعث ایجاد تغییراتی در ساختار صنعتی شدند. مدل فوردیست^۷ پیشین تولید بوسیله قراردادهای منعطف، مرکز زدایی تولیدات و قابلیت جابجایی فزاینده سرمایه در بازارهای بین المللی جایگزین شد. بدین ترتیب در ربع آخر قرن بیستم، آمریکا در مقایسه با اقتصاد تولید، با تاکید بر پایه خدمات و پردازش اطلاعات بسوی اقتصادی پسا صنعتی حرکت می کرد. تولید صنعتی (به ویژه در صنایع آهن، استیل، پلاستیک و منسوجات) از دهه ۷۰ آغاز به رکود کرد و رقابت خارجی؛ انتقال مراکز تولیدی شرکت های چند ملیتی به کشورهای با سطح دستمزد، بیمه و مالیات پایین تر؛ و واردات از ژاپن و آلمان، آمریکایی های بسیاری را از مشاغل با درآمد مناسب محروم کرد^۸. علاوه بر این در اواخر دهه ۸۰ با تخفیف جنگ سرد، صنایع نظامی کاهش یافتند و شمار هزاران نفر را بر آمار بیکاری - که تنها در اواخر دهه ۹۰ از آن کاسته شد - افزودند. بدین ترتیب در اواخر دهه ۸۰ آمریکا به بزرگترین ملت مقروض جهان بدل شده بود. (JOHNSON, WOLOCH, ۲۰۰۸) در چنین شرایطی تولیدکنندگان نفت سهمی مهم در تامین بدهی های فزاینده آمریکا بر عهده گرفته و صدها میلیارد دلار در اروپا و آمریکا سرمایه گذاری کردند.

"دوشنبه سیاه"^۹ آغاز بحرانی اقتصادی بود که تا میانه دهه ۹۰ ادامه یافت و بازار هنر را نیز دچار آشفتگی کرد. (بکولا. ۱۳۸۷: ۵۰۹) اغتشاشات مالی موجب بازگشت واسطه های هنری به عرصه هنر شدند. در نیویورک؛ مرکز فرهنگی و اقتصادی آمریکا، اقتصاد رو به رشد این دهه (در مقایسه با رکود و شرایط دشوارتر گذشته) به ظهور مجموعه تاجران تازه به ثروت رسیده و ستاره های رسانه ها با درآمدهای آماده برای خرید آثار هنری منجر شد. در سوهو، تمرکز دنیای هنر معاصر، قیمت ها افزایش یافت و گالری هایی مانند ماری بوم دریافتند تقاضا برای نقاشی بیش از هر زمان دیگر است. هرچند در برخی از مکان ها، هنری جدا از بازار هنری هم تولید می شد. (BERMAN, ۲۰۰۸: ۶۸)

^۵ اتحاد جماهیر شوروی

^۶ نظریه ای که بر طبق آن کاهش مالیات ها رشد اقتصادی را تسریع و بنابراین درآمد دولت را افزایش می داد.

^۷ در مفهومی کلی مدل پیشرفت تکنولوژیکی بر اساس تولید انبوه و اقتصادی چرخه ای است که بر طبق آن، پرداخت دستمزد و مزایای بیشتر، کارگران را قادر به خرید محصولات می سازد.

^۸ بین ۱۹۷۹ و ۱۹۹۵ آمریکا بیش از ۴۳ میلیون نفر شغل خود را از دست دادند. (Encarta Encyclopedia)

^۹ مقارن ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷؛ روزی که سهامداران بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار را در بازار بورس نیویورک از دست دادند. (بکولا. ۱۳۸۷: ۵۰۹)